

وضعیت اشتغال در مناطق روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۳۵

(مطالعه موردی: مناطق روستایی استان اصفهان)

مجتبی قدیری معصوم* - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

حمید برقی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

داود جمینی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

علیرضا جمشیدی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۴/۱۶

چکیده

از گذشته دور تا کنون، اشتغال در ترقی و توسعه جامعه بشری نقش بسزایی داشته است و در سال‌های اخیر، اهمیت اشتغال در همه ابعاد زندگی افراد به وضوح دیده می‌شود. پژوهش پیش رو که از نوع توصیفی - تحلیلی است با هدف بررسی روند اشتغال در مناطق روستایی کشور طی دوره‌های گذشته (۱۳۳۵-۱۳۸۵)، به صورت موردی در مناطق روستایی استان اصفهان انجام گرفته است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، اطلاعات مورد نیاز را با تکیه بر مستندات مرکز آمار طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، جمع‌آوری کرده و به کمک نرم‌افزارهای GIS و Excel اقدام به ترسیم نمودارها و نقشه‌های مورد نیاز شد. نتایج پژوهش نشان داد، شاخص‌های جمعیت در سن فعالیت و میزان بیکاری در مناطق روستایی استان افزایش داشته و شاخص‌های جمعیت فعال، نرخ عمومی فعالیت، نرخ واقعی فعالیت و نرخ اشتغال، از روند کاهنده‌ای پیروی کرده است؛ به این صورت که نرخ اشتغال در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۳۵ در مناطق روستایی استان اصفهان حدود ۸/۵ درصد کاهش داشته است. همچنین نتایج پژوهش گویای آن است که طی دوره‌های مورد بررسی، اکثر شاغلان روستاهای استان اصفهان از بخش کشاورزی به سمت فعالیت در بخش‌های دیگر، به ویژه خدمات تمایل دارند. در مجموع در ناحیه دشتی تعداد شاغلان در بخش‌های صنعت و خدمات افزایش داشته و در بخش کشاورزی کاهش یافته است. در ناحیه خشک و بیابانی تعداد شاغلان بخش‌های کشاورزی و صنعت کاهش و تعداد شاغلان بخش خدمات افزایش یافته و در ناحیه کوهستانی معتدل، همانند دو ناحیه دیگر، شاغلان بخش کشاورزی کاهش یافته و شاغلان بخش‌های صنعت و خدماتی نسبتاً تغییر نکرده است.

کلیدواژه‌ها: استان اصفهان، اشتغال، خدمات، صنعت، کشاورزی، نواحی روستایی.

مقدمه

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده است (دادورخانی، ۱۳۸۵). توسعه روستایی با مفهومی چندبخشی دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. هریک از این ابعاد با توجه به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از محیط روستایی، اهمیتی خاص خود را دارند که موجب شده بخش روستایی همواره مورد توجه برنامه‌ریزان باشد. به هر صورت روستاها در طول زمان با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند که از مهم‌ترین آنها، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مسئله اشتغال و چالش‌های مربوط به آن است؛ به طوری که اشتغال از جمله معیارهای مؤثر و مهم در توسعه روستایی است که همواره مورد توجه بوده است (قدیری معصوم و عزمی، ۱۳۸۹). همچنین، دستیابی به اشتغال مناسب از ملزومات ایجاد یک جامعه مطلوب است؛ چراکه مهم‌ترین شرط برای رشد و توسعه جوامع، ایجاد اشتغال است (کلیک و تیتز، ۲۰۱۱: ۱۲۱۱).

اهمیت بحث اشتغال به‌اندازه‌ای است که در قانون اساسی کشور و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، بر کاهش میزان بیکاری و افزایش نرخ اشتغال در میان جوامع شهری و روستایی تأکید ویژه‌ای شده است؛ به این صورت که برای دستیابی به هدف اشتغال کامل در افق چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، نرخ بیکاری کشور بایستی از ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۸ و به ۷ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یابد. به این منظور رشد متوسط تقاضای کار در طول برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه به ترتیب ۴/۳ و ۳/۷ درصد در نظر گرفته شده است و تقریباً باید به میزان ۴/۵ میلیون نفر در طول برنامه پنجم توسعه، شغل ایجاد شود (سلامی و انصاری، ۱۳۸۸).

بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، استان اصفهان به‌لحاظ جمعیتی پس از دو استان تهران و خراسان رضوی، پرجمعیت‌ترین استان کشور است که ۷۶۰۵۲۸ نفر از جمعیت آن در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. از این جمعیت حدود ۸۵/۵ درصد در سن فعالیت اقتصادی بوده و از این تعداد، کمابیش ۴۴ درصد جمعیت فعال و ۵۵/۵ درصد جمعیت غیرفعال را تشکیل می‌دهند.

شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی، نیازها و تقاضاهای آنان در ابعاد مادی و معنوی، از جمله اقدامات اساسی در مسیر پیشرفت و توسعه تلقی شده (فیگوروا، ۲۰۰۶: ۵) و بررسی روند اشتغال در بخش‌های سه‌گانه فعالیت اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) با تأثیرپذیری از عوامل انسانی و طبیعی، می‌تواند ضمن روشن کردن وضعیت گذشته و موجود، بستر مناسبی را برای برنامه‌ریزی‌های آتی فراهم کند (قدیری معصوم، مهدوی و برقی، ۱۳۸۴). با توجه به مطالبی که بیان شد، پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که تحولات اشتغال در بخش‌های سه‌گانه فعالیت اقتصادی در مناطق روستایی استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵ چه روندی دارد؟ و فعالیت اقتصادی در مناطق روستایی این استان به چه سمتی میل می‌کند؟ با توجه به اهمیت مقوله اشتغال در توسعه جوامع، تا کنون مطالعات زیادی در داخل و خارج کشور در این زمینه صورت گرفته است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش قدیری معصوم، مهدوی و اسماعیل‌نیا (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای با هدف توسعه اشتغال در نواحی روستایی شهرستان لاهیجان، نشان داد که راه مقابله با بیکاری و توسعه‌نیافتگی فعالیت‌های شغلی در منطقه مورد مطالعه، اجرای

برنامه‌های توسعه یکپارچه روستایی است و راه‌حل‌های بخشی‌نگر و فردی قادر به حل مسائل چندبعدی اشتغال و بیکاری در این شهرستان نیستند. در مطالعه‌ای دیگر که قدیری معصوم و عزمی (۱۳۸۹) با هدف بررسی تحولات اشتغال روستایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در کشور انجام دادند، نتایج نشان داد الگوی غالب اقتصادی روستاهای کشور از بخش‌های کشاورزی و صنعت، به سمت بخش خدمات میل می‌کند و در این تغییر مهاجرت نقش بسزایی ایفا کرده است. همچنین نتایج رگرسیون در این پژوهش حکایت از ادامه وضعیت فوق در سال‌های آتی دارد. همچنین، نتایج مطالعات اکبری و مصری‌نژاد (۱۳۸۲)، فرهودی و محمدی (۱۳۸۵)، فرشادفر و اصغری‌پور (۱۳۸۹) و غفاری، رجائی و دوستی‌ایرانی (۱۳۹۰)، نشان از گرایش شاغلان سایر بخش‌های اقتصادی، به سمت بخش خدمات دارد.

صیدایی، بهاری و زارعی (۱۳۹۰) در پژوهشی با هدف بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که طی مدت مورد بررسی نرخ بیکاری در برخی از استان‌ها کاهش محسوسی داشته است، اما میزان بیکاری در کشور رقم بالایی را نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و بیشتر کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش باروز و بروملی (۱۹۷۵)، ورتمن (۱۹۹۰)، دیمیتیس، افتالیا و سوفیا (۲۰۰۳)، کیان و گاروی (۲۰۰۶) و استریتر و هیوگز (۲۰۰۹) نشان داد آموزش و بازاریابی، فناوری‌های جدید، اصلاحات مالیاتی، حمایت از کشاورزان، برگزاری کلاس‌های آموزشی، برقراری ارتباط با مراکز تحقیقاتی، سرمایه‌گذاری و کمک‌های مالی، عوامل مهم در ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه اشتغال در نواحی روستایی هستند.

نتایج پژوهش قنبری، مرادی، جمینی، مفاخری و گشتیل (۲۰۱۲) با هدف بررسی توسعه‌یافتگی مناطق روستایی ایران بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان، نشان داد حدود ۴۳ درصد استان‌های کشور در سطوح بسیار برخوردار و برخوردار، حدود ۱۷ درصد در سطح نسبتاً برخوردار و حدود ۴۰ درصد در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند. همچنین میزان برخورداری از شاخص‌های اشتغال زنان در مناطق شمال غرب، شرق و شمال شرق ایران، مطلوب‌تر و در مناطق مرکزی (به‌استثنای استان اصفهان) و جنوبی کشور وضعیت نامطلوبی دارند.

مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد با وجود کاهش بیکاری در کشور در سال‌های گذشته، بین مناطق مختلف کشور در برخورداری از فرصت‌های شغلی، تفاوت محسوسی وجود دارد. با وجود این، اشتغال در اکثر مناطق کشور به سوی فعالیت در بخش خدمات میل کرده و با برنامه‌های توسعه یکپارچه روستایی، از جمله آموزش و بازاریابی، فناوری‌های جدید، اصلاحات مالیاتی، حمایت از کشاورزان، برگزاری کلاس‌های آموزشی، برقراری ارتباط با مراکز تحقیقاتی، سرمایه‌گذاری و کمک‌های مالی، می‌توان وضعیت اشتغال را در مناطق مختلف بهبود بخشید.

مبانی نظری

بیکاری از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان است که باعث آسیب‌های بزرگ اجتماعی، کمبود رفاه و کاهش استانداردهای زندگی می‌شود. در این راستا همراه با افزایش درصد بیکاری در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، توجه و آگاهی از مفاهیم و نظریه‌های بازار کار منطقی به نظر می‌رسد (ارنست و رانی، ۲۰۱۱: ۲۶۹). در زمینه اشتغال و بیکاری، اندیشمندان نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی را در ادوار مختلف ارائه کرده‌اند.

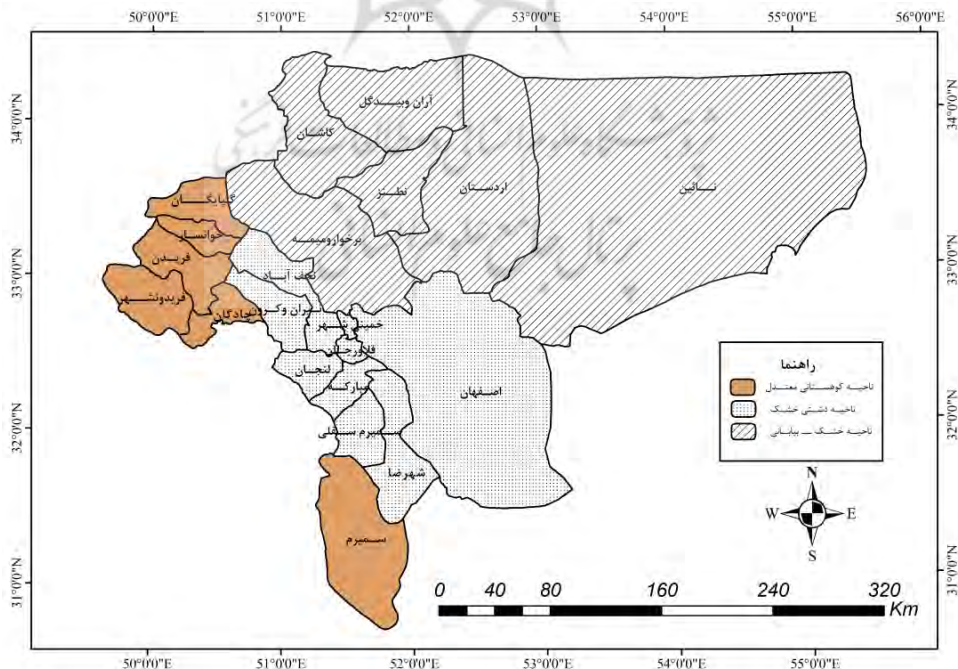
از دید مارکس، تغییرات نسبی در سه عامل میزان تراکم سرمایه، سطح نسبی دستمزد و حجم اشتغال، موجب گرایش به اشتغال کامل یا تشدید بیکاری می‌شود (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۹۰). شوماخر معتقد است که فرصت‌های کاری فقیران روستایی در کشورهای به‌اصطلاح در حال توسعه، آنچنان محدود است که نمی‌تواند گریزگاهی از بینوایی باشد و آنها یا به‌طور ناقص اشتغال دارند یا به کلی شغلی ندارند و هنگامی که کاری می‌یابند، بهره‌زایی آنان فوق‌العاده پایین است (شوماخر، ۱۳۷۲: ۱۳۴-۱۳۳). ویواری معتقد است، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) از طریق اتوماسیون بخش‌های اقتصادی، کاهش قیمت‌ها، ایجاد سرمایه‌گذاری جدید، خلق محصولات جدید، بر سطح اشتغال تأثیر می‌گذارد (ویواری، ۲۰۰۷: ۴-۲). روزنشن وجود بیکاری پنهان و اشتغال ناقص را در اقتصادی نبودن فرصت‌های مناسب جایگزین برای کار کردن و کسب درآمد می‌داند (روزنشن، ۱۹۶۳: ۲۴۷). کینز (۱۹۷۰) وضعیت اشتغال کامل تولید را نادر در نظر گرفته و معتقد است شرایط رقابت کامل و انعطاف‌پذیری کامل دستمزدها و قیمت‌ها به خودی خود به‌وجود نمی‌آید. وی بیکاری را نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری می‌داند (سپهر، ۱۳۴۵: ۲۳). اما به نظر رایینسون، سیاست کینز فقط زمانی مناسب است که عوامل تولید موجود باشند، اما در کشورهای در حال توسعه مسئله این است که عوامل تولید وجود ندارد (رایینسون، ۱۳۷۸: ۷۶). به نظر والتر گالنسون، عامل اصلی بیکاری در کشورهای در حال توسعه این است که زمین نمی‌تواند جمعیت روزافزون را به کار مشغول کند و احتمال زیادی وجود دارد که اتوماسیون، در آینده بسیار نزدیک موجب تنزل مطلق اشتغال در صنایع تولیدی شود (گالنسون، ۱۳۶۸: ۵۳). مایکل تودارو برای اشتغال، راهبرد جامعی تدوین کرده و راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری را بهبود محیط روستایی می‌داند (تودارو، ۱۳۶۴: ۴۵۵). از دیدگاه رسولی‌نژاد و نوری (۱۳۸۸) فناوری اطلاعات و ارتباطات در کوتاه‌مدت بر اشتغال اثر منفی می‌گذارد، اما در بلندمدت این تأثیر مثبت است. شریفی (۱۳۸۹) معتقد است که اجرای سیاست مالیات غیر مستقیم از سوی دولت، سبب ارتقای سطح اشتغال در جامعه می‌شود. خیرخواهان و گرجی (۱۳۸۶) بر این باورند که اشتغال دولتی در ایران، در کوتاه‌مدت به‌صورت جزئی میزان بیکاری را کاهش می‌دهد و در بلندمدت (تقریباً پس از گذشت شش سال) باعث کاهش میزان اشتغال بخش خصوصی و اشتغال کل می‌شود. از دیدگاه علافر، رفع مشکل بیکاری در مناطق روستایی آسان‌تر از مناطق شهری است؛ وی دلیل آن را همگنی شغل‌های روستایی و پیچیدگی شغل‌های شهری ذکر کرده است (علافر، ۱۳۷۵: ۲۴۸). طاهرخانی معتقد است صنعتی‌شدن با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۵۳). توسلی بر این باور است که بیکاری موجود، به‌طور کامل معلول اوضاع اقتصادی و تحولات دهه اخیر نیست، بلکه بخشی از آن معلول وضعیت بنیادی در اقتصاد ایران و ساختار کل آن است (صیدائی، بهاری و زارعی، ۱۳۹۰: ۲۱۸). به نظر ازکیا در ایران مسائلی مانند بیکاری، مهاجرت‌های روستا - شهری، حاشیه‌نشینی و فقر همچون سایر کشورهای در حال توسعه وجود دارد که ریشه همه این‌ها در توسعه‌نیافتگی روستایی و نرخ بیکاری بالا در روستاهاست (ازکیا، ۱۳۸۳: ۴۳). همچنین دانشمندان و صاحب‌نظران توسعه معتقدند، ریشه بسیاری از مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، از جمله مشکلات شغلی و بیکاری را باید در توسعه‌نیافتگی روستاهای آنها قرار داد (هاشمی، مهربانی، ایمنی و نجاحی، ۱۳۹۰: ۳۷).
 مروری بر عقاید و دیدگاه‌های مطرح‌شده در زمینه اشتغال، حاکی از این مهم است که ریشه اغلب مشکلات کشورهای در حال توسعه از جمله اشتغال، در مناطق روستایی واقع شده است. همچنین اشتغال و فرصت‌های شغلی

به‌خصوص در مناطق روستایی این کشورها، دارای ویژگی‌های متعددی چون، همگنی فرصت‌های شغلی، فرصت‌های شغلی محدود، اشتغال ناقص، سرمایه‌گذاری اندک برای اشتغال‌زایی و... است، اما با اجرای سیاست‌هایی چون صنعتی کردن روستاها، استفاده بلندمدت از فناوری اطلاعات و ارتباطات و موارد مشابه، می‌توان وضعیت اشتغال را در این مناطق بهبود بخشید.

معرفی منطقه مورد مطالعه

استان اصفهان با ۱۰۷۰۲۹ کیلومتر مربع مساحت در بخش مرکزی فلات ایران، حدود ۶/۵ درصد وسعت ایران زمین را به خود اختصاص داده و از شمال به استان‌های مرکزی، سمنان و قم، از جنوب به استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، از شرق به استان یزد و از غرب به استان‌های لرستان و چهارمحال و بختیاری محدود می‌شود.

مساحت استان اصفهان در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب برابر ۱۵۱۷۹۹، ۹۵۴۵۹، ۱۰۵۸۰۴/۹ کیلومتر مربع بوده است. کاهش مساحت استان در سال ۱۳۵۵ و سپس افزایش آن در سال ۱۳۶۵ به دلیل تغییراتی است که در این مدت در محدوده آن رخ داده است. در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ شهرستان یزد که جزئی از استان اصفهان بوده، به استان جدیدی تبدیل شد. در فاصله سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ شهرستان کاشان که قبلاً جزئی از استان مرکزی بود، به محدوده اصفهان پیوست و با ایجاد شهرستان‌های جدید خمینی‌شهر، خوانسار، فلاورجان، لنجان در بخش‌هایی از شهرستان اصفهان، تعداد شهرستان‌های استان افزایش یافت و در مقابل از مساحت شهرستان اصفهان کاسته شد (زنجانی، ۱۳۷۰).



شکل ۱. نقشه توزیع جغرافیایی استان اصفهان

منبع: استانداری استان اصفهان

روش پژوهش

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی و ماهیت موضوع، رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی است. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، مناطق روستایی استان اصفهان در نظر گرفته شده است. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و متکی بر مستندات مرکز آمار ایران، در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵ است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه با بهره‌جویی از نرم‌افزارهای Excel و GIS انجام گرفت. در این مطالعه برای بررسی وضعیت و روند تغییرات نیروی انسانی و اشتغال جمعیت در مناطق روستایی استان اصفهان، محدوده مورد مطالعه براساس ویژگی‌های طبیعی (زمین‌شناسی، توپوگرافی، اقلیم، خاک و...) به سه ناحیه جغرافیایی به شرح زیر تقسیم شده است (شکل ۱):

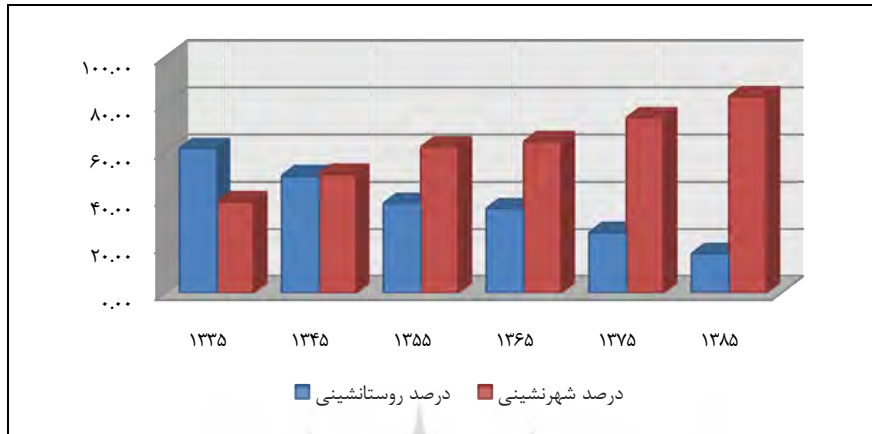
۱. ناحیه کوهستانی معتدل: این ناحیه شامل شهرستان‌های فریدن، فریدون‌شهر، سمیرم، گلپایگان، چادگان و خوانسار است.
۲. ناحیه دشتی خشک: این ناحیه شهرستان‌های اصفهان، نجف‌آباد، شهرضا، لنجان، فلاورجان، خمینی‌شهر، سمیرم سفلی، تیران و کرون و مبارکه را شامل می‌شود.
۳. ناحیه خشک - بیابانی: این ناحیه شهرستان‌های آران و بیدگل، کاشان، نطنز، نائین، اردستان و برخوار و میمه را دربرمی‌گیرد.

بحث و یافته‌ها

بررسی تحولات جمعیتی استان اصفهان و توزیع آن در نواحی جغرافیایی

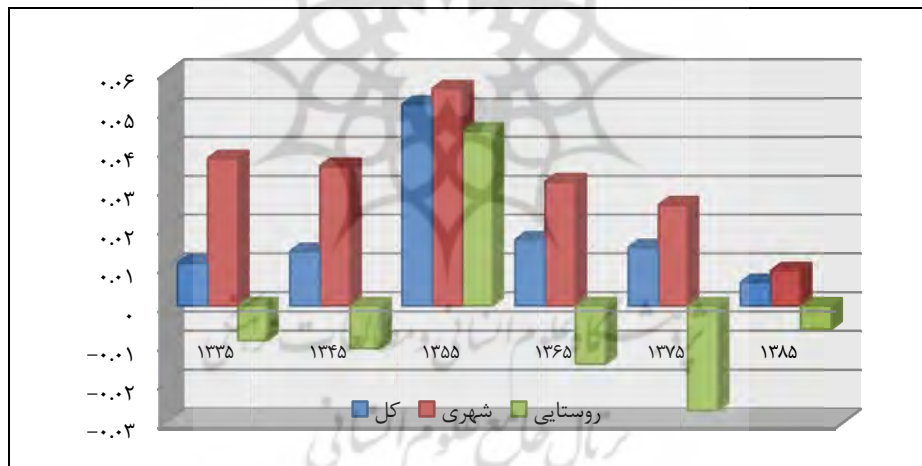
بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ کشور، جمعیت استان اصفهان ۳۹۲۱۹۶۱ نفر بوده که این رقم در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و به ۴۵۵۹۲۵۶ نفر رسیده است. در سال ۱۳۷۵ رشد سالانه جمعیت این استان ۱/۸ درصد بوده است؛ در حالیکه این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۱/۵۱ رسیده که روند کاهشی رشد جمعیت استان اصفهان در این دهه را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۳۵ اکثر جمعیت استان اصفهان در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. بعد از گذشتن یک دهه، جمعیت شهری و روستایی استان در سال ۱۳۴۵ تا حدودی برابر بود و از سال ۱۳۵۵ به بعد جمعیت شهری با قاطعیت کامل بر جمعیت روستایی استان چیره شد (شکل‌های ۲ و ۳). کاهش چشمگیر سهم جمعیت روستایی طی دهه ۴۵ تا ۵۵، حاکی از تغییرات عمده‌تری در رابطه با جمعیت در این دوره است. استان اصفهان از سال ۱۳۴۵ به بعد در طبقه استان‌های مهاجرپذیر کشور قرار گرفت (علیزاده، ۱۳۶۳: ۲۶). گفتنی است که با توجه به نتایج شکل ۲، مشاهده می‌شود که در بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵، درصد روستانشینی در استان اصفهان نسبت به شهرنشینی کمتر بوده، اما شکل ۳ نشان می‌دهد که در این دهه رشد جمعیت روستایی مثبت و روند فزاینده‌ای داشته است که می‌توان تحولات مربوط به اجرای طرح تقسیم اراضی را در این رشد مثبت دانست. در سال ۱۳۷۵ جمعیت روستایی استان ۱۰۰۷۰۸۷ نفر بوده که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۷۵۸۸۹۰ نفر کاهش یافته و رشد سالانه‌ای معادل ۲/۷۸- درصد داشته است. رشد منفی جمعیت مناطق

روستایی و روند کاهشی آن را می‌توان در دو مسئله عمده، یکی مهاجرت از روستا و دیگری تبدیل برخی مراکز بزرگ روستایی به نقاط شهری طی این مدت، تحلیل کرد.



شکل ۲. نمودار میزان درصد جمعیت روستایی و شهری استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۳۵-۸۵

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان



شکل ۳. نمودار مقایسهٔ رشد سالانهٔ جمعیت کل، روستایی و شهری استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۳۵-۸۵

بررسی تحولات جمعیت در سن فعالیت اقتصادی^۱ مناطق روستایی در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

براساس داده‌های جدول ۱، در سال ۱۳۳۵، میزان افراد واقع در سن فعالیت در مناطق روستایی استان اصفهان، ۶۶/۴۹ درصد کل جمعیت روستایی بوده است که این میزان جمعیت در سه دههٔ بعد (تا سال ۱۳۶۵) به ۶۵/۷۲ درصد کاهش یافته و روندی تقریباً نزولی داشته است. این روند نزولی را با توجه به کاهش جمعیت روستایی و کاهش درصد رشد

۱. منظور از جمعیت در سن فعالیت، جمعیت ده‌ساله و بیشتر است. الگوهای بین‌المللی، آن دسته از افرادی را که در فاصلهٔ سنی ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند، جمعیت سن فعال می‌دانند؛ ولی در ایران بسیاری از کودکان ۷ تا ۱۴ سال، مخصوصاً در مناطق روستایی به کار اشتغال دارند و نیز، سن بازنشستگی به بیش از ۶۵ سال می‌رسد، بنابراین در اغلب مطالعات و بررسی‌های جمعیتی، جمعیت فعال را در گروه‌های سنی ده‌ساله و بیشتر مورد ارزیابی قرار می‌دهند و میزان فعالیت را بر اساس همین جمعیت در نظر می‌گیرند.

جمعیت روستایی می‌توان بیان کرد. همچنین نتایج نشان داد، میزان جمعیت واقع در سن فعالیت در مناطق روستایی استان اصفهان از سال ۱۳۷۵ به بعد رشد صعودی داشته و این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۸۵/۷۳ درصد کل جمعیت رسیده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شاخص جمعیت فعال روستایی^۱ استان اصفهان در سال ۱۳۴۵ نسبت به دهه قبل (۱۳۳۵)، حدود ۵ درصد کاهش داشته و از ۲۹۸۳۷۳ نفر به ۲۵۳۰۹۱ نفر رسیده است. اما از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۷۵ شاهد رشد صعودی این جمعیت هستیم و در سال ۱۳۸۵ بار دیگر این جمعیت سیر نزولی را تجربه کرده است. سیر نزولی جمعیت فعال روستایی در آخرین دهه مورد بررسی را می‌توان به کاهش جمعیت در سن فعالیت روستاهای موجود در استان اصفهان نسبت داد.

جدول ۱. تعداد جمعیت در سن فعالیت و جمعیت فعال در روستاهای استان اصفهان طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

سال عنوان / میزان	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمعیت در سن فعالیت	۵۱۶۸۷۷	۶۶/۴۹	۴۸۱۷۳۶	۶۴/۸۳	۵۲۸۹۰۱	۶۵/۵۷
جمعیت فعال	۲۹۸۳۷۳	۵۷/۷۳	۲۵۳۰۹۱	۵۲/۵۴	۲۷۴۹۳۴	۵۱/۹۸
جمعیت شاغل	۲۹۵۲۷۶	۹۸/۹۶	۲۴۵۲۷۶	۹۶/۹۱	۲۶۶۶۴۴	۹۶/۵۶
جمعیت بیکار	۳۰۹۷	۱/۰۴	۷۸۱۵	۳/۰۹	۸۲۹۰	۳/۰۲
سال عنوان / میزان	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمعیت در سن فعالیت	۷۷۳۲۸۵	۶۵/۷۲	۷۷۰۹۱۱	۷۶/۵۵	۶۵۰۶۵۹	۸۵/۷۳
جمعیت فعال	۳۱۶۲۳۲	۴۰/۸۹	۳۱۹۵۷۶	۴۱/۴۵	۲۸۵۸۳۹	۴۳/۹۳
جمعیت شاغل	۲۸۹۵۳۷	۹۱/۵۶	۲۹۶۶۵۳	۹۲/۸۳	۲۵۸۵۸۲	۹۰/۴۶
جمعیت بیکار	۲۶۶۹۵	۸/۴۴	۲۲۹۲۳	۷/۷	۲۷۲۵۷	۹/۵۴

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

شرایط اجتماعی، اقتصادی و تولیدی استان در پنجاه سال گذشته (۸۵-۱۳۳۵) و مسائل جانبی آن، کم‌توجهی و در بعضی موارد بی‌توجهی به صنایع روستایی و همچنین سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی - اجتماعی، باعث عدم تأمین نیاز روستاییان در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی، از جمله عدم تأمین معیشت از اراضی موجود کشاورزی شده است. علاوه بر آن، بیکاری فصلی نیز سبب کاهش جمعیت فعال روستاها شده است. آنچه باید اذعان داشت این است که شرایط اقتصادی در روستاهای استان اصفهان آنچنان متحول نشده که قادر به جذب همه جویندگان کار باشد و در این میان به سرباری و بار تکفل خالص جمعیت روستاها افزوده شده است. در مجموع به دلیل وابستگی افراد به معیشت خانوارهای خود، متأسفانه سطح زندگی بسیاری از خانوارهای روستایی، به‌خصوص در مناطق محروم کاهش یافته و میزان بالای تورم پس از انقلاب به دلیل شرایط خاص سیاسی - اقتصادی کشور، مزید بر علت شده است. گفتنی است که

۱. جمعیت فعال به افرادی اطلاق می‌شود که در زمان سرشماری به کار اشتغال داشته، یا بیکار و در جست‌وجوی کار بوده‌اند، دیگران را جمعیت غیر فعال می‌نامند.

بخشی از نیروی کار روستایی، به دلیل عدم وجود شرایط فعالیت در روستاها به بازارهای کار شهری روی می‌آورند که این جمعیت از عوامل انتقال بیکاری روستایی به نقاط شهری هستند. از شاخص‌های مهم جمعیتی در مسائل نیروی انسانی فعالیت و اشتغال که در شمار جمعیت نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، می‌توان میزان عمومی فعالیت (یا میزان فعالیت عمومی)، میزان واقعی فعالیت، میزان اشتغال و میزان بیکاری را نام برد. بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، میزان عمومی فعالیت طی سال‌های مورد مطالعه در روستاهای استان اصفهان روند نزولی داشته؛ به طوری که اندازه عمومی فعالیت مناطق روستایی استان در سال ۱۳۳۵ حدود ۳۸ درصد بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۳۱/۷۳ درصد کاهش یافته است. اما این روند نزولی همان‌طور که مشاهده می‌شود در دهه هشتاد قطع شده و در سال ۱۳۸۵ به ۳۷/۶۶ درصد رسیده است (جدول ۲). همچنین درصد واقعی فعالیت نیز به تبع میزان عمومی فعالیت طی شش دهه (۸۵-۱۳۳۵) روند نزولی داشته؛ به طوری که این مقدار در سال‌های ۳۵ تا ۸۵ به ترتیب ۵۷/۷۳ و ۴۳/۹۳ درصد بوده است. اگرچه در سال ۱۳۸۵ این مقدار نسبت به دهه گذشته تا حدودی روند صعودی داشته است.

جدول ۲. میزان عمومی و واقعی فعالیت، میزان اشتغال و بیکاری در مناطق روستایی استان اصفهان طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
عنوان / میزان	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
میزان عمومی فعالیت ^۱	۳۸/۳۸	۳۴/۰۶	۳۴/۰۸	۲۶/۸۸	۳۱/۷۳	۳۷/۶۶
میزان واقعی فعالیت ^۲	۵۷/۷۳	۵۲/۵۴	۵۱/۹۸	۴۰/۸۹	۴۱/۴۵	۴۳/۹۳
میزان اشتغال ^۳	۹۸/۹۶	۹۶/۹۱	۹۶/۹۸	۹۱/۵۶	۹۲/۸۳	۹۰/۴۶
میزان بیکاری ^۴	۱/۰۴	۳/۰۹	۳/۰۲	۸/۴۴	۷/۱۷	۹/۵۴

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

بر اساس جدول ۲، میزان اشتغال در سطح روستاهای استان اصفهان در سال ۱۳۳۵ حدود ۹۸/۹۶ درصد بوده که این مقدار طی پنجاه سال گذشته روند نزولی را سپری کرده؛ به طوری که در سال ۱۳۸۵ به میزان ۹۰/۴۶ درصد رسیده است و به تبع آن نیز درصد بیکاری رو به افزایش بوده؛ به طوری که در سال ۱۳۸۵ میزان بیکاری در روستاهای استان اصفهان به مرز ۱۰ درصد رسیده است. بررسی این روند نشان‌دهنده افزایش روزافزون بیکاری در مناطق روستایی استان است و اقدامات لازم برای ایجاد اشتغال به منظور جلوگیری از زیان‌های ناشی بر پیکره اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی استان، الزامی و حیاتی است. با توجه به کاهش روزافزون میزان اشتغال و شاخص‌های تابع آن، بایستی همه نهادها و ارگان‌های مربوط به فکر برنامه‌ریزی منطقی و درست برای ایجاد اشتغال مناسب باشند و با استفاده از برنامه‌ریزی‌های جامع و بهره‌گیری از توان‌های محیطی و امکانات بالقوه و بالفعل استان، کارایی بخش‌های مختلف

۱. فعالیت عمومی از تقسیم جمعیت فعال بر کل جمعیت به دست می‌آید و بر حسب درصد یا در هزار محاسبه می‌شود.

۲. اندازه واقعی فعالیت یا میزان فعالیت از تقسیم جمعیت فعال بر جمعیت ۱۰ سال به بالا ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید.

۳. میزان اشتغال که مهم‌ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال جامعه است، از تقسیم تعداد جمعیت شاغل بر جمعیت فعال به دست می‌آید و معمولاً بر حسب درصد بیان می‌شود.

۴. میزان بیکاری از تقسیم تعداد جمعیت بیکار بر جمعیت فعال به دست می‌آید و معمولاً بر حسب درصد بیان می‌شود.

اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات و...) را بالا برده و برای کسب درآمد بیشتر جامعه روستایی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی و ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه تلاش کنند.

مقایسه میزان جمعیت سن فعالیت، جمعیت شاغل و جمعیت بیکار نواحی سه‌گانه در سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، طی سال‌های مورد بررسی (۸۵ - ۱۳۳۵) جمعیت در سن فعالیت ناحیه دشتی دارای روندی صعودی بوده و از ۲۴۸۹۵۱ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۴۰۲۵۶۹ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش نشان داده است. در ناحیه خشک روند جمعیت در سن فعالیت تا سال ۱۳۶۵ سیر نزولی داشته، ولی همان‌طور که مشاهده می‌شود، از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ روند صعودی به خود گرفته و سپس از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بار دیگر روند نزولی را تجربه کرده و از ۱۳۳۱۴۲ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱۱۵۷۶۷ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش پیدا کرده است. همچنین وضعیت شاخص جمعیت در سن فعالیت در مناطق روستایی ناحیه کوهستانی معتدل استان اصفهان، دارای روندی سینوسی (بالا و پایین) بوده است. با توجه به نتایج جدول ۳ مشاهده می‌شود، طی سال‌های مورد بررسی با مقایسه سه ناحیه مورد مطالعه، میزان جمعیت در سن فعالیت در ناحیه خشک بیابانی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، همواره در حال افزایش بوده و یک روند صعودی را طی کرده است. این در حالی است که در دو ناحیه دیگر، این شاخص معمولاً در بین سال‌های مورد نظر در نوسان (کاهش و افزایش) بوده است که علت این نوسان را می‌توان در افزایش جمعیت و میزان رشد آن بیان کرد.

میزان جمعیت شاغل در ناحیه کوهستانی معتدل در دوره‌های بعد از سال ۱۳۳۵ روند کاهشی داشته، ولی این کاهش در دو ناحیه دشتی خشک و خشک - بیابانی در سال ۱۳۴۵ مشاهده می‌شود. در سال ۱۳۵۵ با اندکی افزایش دوباره به کاهش خود ادامه داده و در هر سه ناحیه از میزان جمعیت شاغل نسبت به جمعیت فعال در سال ۱۳۸۵ کاسته شده است. بالطبع میزان جمعیت بیکار نسبت به جمعیت فعال در ناحیه کوهستانی معتدل همواره در حال افزایش بوده است، حال آنکه میزان آن در سرشماری ۱۳۶۵ پایین‌تر از دو ناحیه جلگه‌ای خشک و خشک بیابانی بوده است. با نگاهی به جدول ۳ می‌توان گفت، میزان جمعیت بیکار (جویای کار) در هر سه ناحیه جغرافیایی استان اصفهان کمابیش دارای یک رشد صعودی بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بالاترین رشد میزان جمعیت بیکار (جویای کار) در هر سه ناحیه مورد مطالعه به دوره زمانی ۱۳۶۵ مربوط می‌شود. همچنین در دو ناحیه دشتی و خشک - بیابانی بالاترین میزان این شاخص مربوط به سرشماری سال ۱۳۶۵ بوده است. این در حالی است که در ناحیه کوهستانی استان اصفهان، میزان جمعیت بیکار (جویای کار) مناطق روستایی مربوط به سال ۱۳۸۵ است.

نتایج جدول ۳ نشان داد، در مناطق روستایی واقع در دو ناحیه دشتی و کوهستانی معتدل استان اصفهان، میزان جمعیت فعال از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ دارای یک روند نزولی بوده، سپس این میزان جمعیت تا سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۸۵ روند جمعیت فعال مناطق روستایی استان اصفهان در دو ناحیه دشتی و کوهستانی معتدل نزولی بوده است. این در حالی است که روند میزان جمعیت فعال در ناحیه خشک - بیابانی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ سیر کاهنده‌ای داشته و در سال ۱۳۷۵ این روند متوقف شده و سپس تا سال ۱۳۸۵ نیز دوباره از خود سیر نزولی نشان داده است.

جدول ۳. مقایسه میزان جمعیت در سن فعالیت، جمعیت شاغل و جمعیت بیکار روستایی در نواحی سه‌گانه طی دوره بررسی

ناحیه دشتی (نفر / درصد)						
عنوان / سال	۳۵	۴۵	۵۵	۶۵	۷۵	۸۵
جمعیت در سن فعالیت (۱۰ ساله و بالاتر)	۲۴۸۹۵۱	۲۴۳۱۱۶	۲۸۷۹۱۰	۴۸۰۱۴۱	۴۷۴۷۶۸	۴۰۲۵۶۹
	۶۷/۵۴	۶۳/۸۴	۶۴/۷۸	۶۴/۹۱	۷۶/۶۷	۸۴/۷۵
جمعیت شاغل	۱۵۱۶۶۳	۱۱۶۳۵۸	۱۳۹۴۱۱	۱۷۵۳۶۷	۱۸۱۲۲۷	۱۶۱۱۵۰
	۹۹/۰۲	۹۷/۲۴	۹۸/۰۶	۹۰/۸۸	۹۲	۹۱/۳۹
جمعیت بیکار (جویای کار)	۱۴۹۳	۳۳۰۳	۲۷۵۶	۱۷۵۹۴	۱۴۷۵۰	۱۵۳۶۱
	۰/۹۷	۲/۷۶	۱/۹۴	۹/۱۲	۸	۸/۷۰
جمعیت فعال	۱۵۳۱۵۶	۱۱۹۶۶۱	۱۴۲۱۶۷	۱۹۲۹۶۱	۱۹۵۹۷۷	۱۷۶۵۱۱
	۶۱/۷۷	۴۹/۲۲	۴۹/۳۸	۴۰/۱۹	۴۱	۳۷/۱۶
ناحیه خشک - بیابانی (نفر / درصد)						
عنوان / سال	۳۵	۴۵	۵۵	۶۵	۷۵	۸۵
جمعیت در سن فعالیت (۱۰ ساله و بالاتر)	۱۲۲۰۷۱	۱۱۳۷۸۹	۱۰۶۳۷۹	۱۲۹۱۴۷	۱۳۳۱۴۲	۱۱۵۷۶۷
	۶۶/۸۰	۶۷/۴۴	۶۸/۳۶	۷۱/۰۶	۷۹/۳۷	۷۸/۶۰
جمعیت شاغل	۷۶۱۷۷	۶۹۴۶۹	۶۰۹۳۱	۵۳۹۱۴	۵۹۲۱۴	۵۰۷۴۸
	۹۹/۱۷	۹۷/۵۴	۹۸/۵۱	۹۱/۹۰	۹۶	۹۳/۸۴
جمعیت بیکار (جویای کار)	۶۳۴	۱۷۵۳	۶۲۱	۴۷۵۱	۲۳۳۲	۳۳۳۱
	۰/۸۳	۲/۴۶	۱/۴۹	۸/۱۰	۴	۶/۱۵
جمعیت فعال	۷۶۸۱۱	۷۱۲۲۲	۶۱۸۵۲	۵۸۶۶۵	۶۱۵۴۶	۵۴۰۷۹
	۶۲/۹۲	۶۲/۵۹	۵۸/۱۴	۴۵/۴۲	۴۶	۴۰/۹۲
ناحیه کوهستانی معتدل (نفر / درصد)						
عنوان / سال	۳۵	۴۵	۵۵	۶۵	۷۵	۸۵
جمعیت در سن فعالیت (۱۰ ساله و بالاتر)	۱۴۶۸۵۵	۱۲۴۸۳۱	۱۳۴۶۱۲	۱۶۴۹۹۷	۱۶۳۰۰۱	۱۳۲۳۲۳
	۶۴/۵۴	۶۴/۴۸	۶۵/۱۶	۶۴/۶۴	۶۰/۸۰	۸۶/۲۳
جمعیت شاغل	۶۷۴۳۶	۵۹۴۴۹	۶۶۳۰۲	۶۰۲۵۲	۵۶۲۱۲	۴۶۶۸۴
	۹۸/۵۸	۹۵/۵۶	۹۳/۵۰	۹۳/۲۷	۹۱	۸۴/۴۹
جمعیت بیکار (جویای کار)	۹۷۰	۲۷۵۹	۴۶۱۳	۴۳۵۰	۵۸۴۱	۸۵۶۵
	۱/۴۲	۴/۴۴	۶/۵	۶/۷۳	۹	۱۵/۵
جمعیت فعال	۶۸۴۰۶	۶۲۲۰۸	۷۰۹۱۵	۶۴۶۰۶	۶۲۰۵۳	۵۵۲۴۹
	۴۶/۵۸	۴۹/۸۳	۵۲/۶۸	۳۹/۱۶	۳۸	۳۶

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

با توجه به جدول ۴، مشاهده می‌شود میزان عمومی فعالیت در سرشماری سال ۱۳۶۵ در هر سه ناحیه، کاهش زیادی را نشان می‌دهد که بیشترین کاهش به ترتیب برای ناحیه کوهستانی معتدل برابر با ۲۵/۳۱ درصد، برای ناحیه دشتی خشک برابر با ۲۶/۹ درصد و برای ناحیه خشک - بیابانی ۳۲/۲۸ درصد است. می‌توان گفت کاهش نسبی جمعیت شاغل و افزایش جمعیت بیکار در این نتیجه تأثیر داشته است. همچنین عدم تعادل موجود در بازار کار روستاهای هر سه

ناحیه، ناشی از رکود فعالیت‌های اقتصادی و افزایش شدید جمعیت و مشکلات گوناگون دیگری است که گریبانگیر اقتصاد کشور شده و به عاملی برای کاهش نرخ فعالیت جمعیت تبدیل شده است؛ یعنی با افزایش جمعیت و افزایش افراد جویای کار، فرصت‌های شغلی جدید ایجاد نشده و بخشی از جمعیت شاغل نیز در این فاصله، شغل خود را از دست داده‌اند؛ در مقابل همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان عمومی فعالیت در سرشماری ۱۳۸۵ در هر سه ناحیه روند فزاینده داشته است.

جدول ۴. میزان عمومی و واقعی فعالیت، نرخ اشتغال و بیکاری در روستاهای نواحی سه‌گانه طی دهه‌های ۸۵-۱۳۳۵ (درصد)

ناحیه دشتی خشک						عنوان / سال
۸۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	
۳۷/۱۶	۳۲	۲۶/۹	۳۱/۹۹	۳۱/۴۲	۴۱/۷۲	میزان عمومی فعالیت
۴۳/۸۴	۴۱	۴۰/۱۹	۴۹/۳۸	۴۹/۲۲	۶۱/۷۷	میزان واقعی فعالیت
۹۱/۲۹	۹۲	۹۰/۸۸	۹۸/۰۶	۹۷/۲۴	۹۹/۰۲	میزان اشتغال
۸/۷۰	۸	۹/۱۲	۱/۹۴	۲/۷۶	۰/۹۷	میزان بیکاری
ناحیه خشک - بیابانی						عنوان / سال
۸۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	
۴۰/۹۲	۳۷	۳۲/۲۸	۳۹/۷۴	۴۲/۲۱	۴۲/۰۳	میزان عمومی فعالیت
۴۶/۷۱	۴۶	۴۵/۴۲	۵۸/۱۴	۶۲/۵۹	۶۲/۹۲	میزان واقعی فعالیت
۹۳/۸۴	۹۶	۹۱/۹۰	۹۸/۵۱	۹۷/۵۴	۹۹/۱۷	میزان اشتغال
۶/۱۵	۴	۸/۱۰	۱/۴۹	۲/۴۶	۰/۸۳	میزان بیکاری
ناحیه کوهستانی معتدل						عنوان / سال
۸۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	
۳۶	۲۳	۲۵/۳۱	۳۴/۳۳	۳۲/۱۳	۳۰/۰۶	میزان عمومی فعالیت
۴۱/۷۵	۳۸	۳۹/۱۶	۵۲/۶۸	۴۹/۸۳	۴۶/۵۸	میزان واقعی فعالیت
۸۴/۴۹	۹۱	۹۳/۲۷	۹۳/۵۰	۹۵/۵۶	۹۸/۵۸	میزان اشتغال
۱۵/۵	۹	۶/۷۳	۶/۵	۴/۴۴	۱/۴۲	میزان بیکاری

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

توزیع جمعیت روستایی استان در بخش‌های عمده اقتصادی طی دوره‌های آماری ۸۵-۱۳۳۵

کیفیت تخصصی در بخش‌های عمده و مختلف اقتصادی، یعنی کشاورزی - تولیدی، صنعتی، ساختمانی و خدماتی، بیانگر ساختار شغلی آن منطقه است که خود ساختار اقتصادی متأثر از شرایط اقلیمی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی هر منطقه را منعکس می‌کند. میزان اشتغال جمعیت در روستاهای استان اصفهان و چگونگی توزیع آن در بخش‌های عمده اقتصادی، به‌طبیع ناشی از امکانات و منابع موجودی است که می‌تواند امکان جذب نیرو را فراهم کند. استان اصفهان با اینکه از لحاظ شرایط اقتصادی - اجتماعی و به‌خصوص جغرافیایی و اقلیمی، منطقه‌ای صنعتی در کل کشور به‌شمار می‌شود، اما با توجه به شرایط متفاوت آب‌وهوایی، مستعد فعالیت‌های دیگر اقتصادی نیز هست و بجز بخش صنعت، بخش‌های دیگری هم مانند بخش کشاورزی سهم بسزایی را در ایجاد اشتغال و مسائل اقتصادی منطقه دارند.

طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ میزان اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی منطقه مورد مطالعه در حال تغییر و

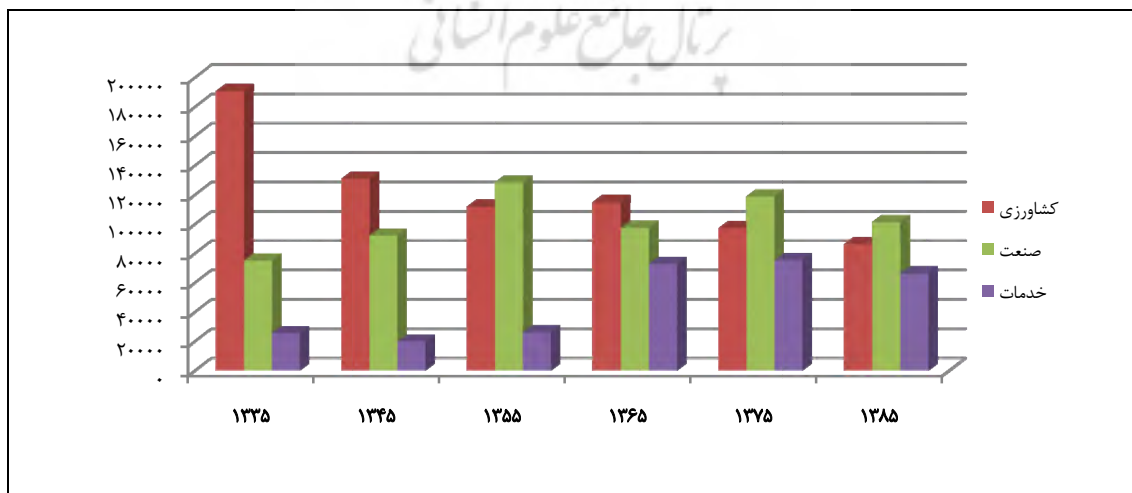
تحول بوده است؛ به طوری که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی همواره رو به کاهش بوده و این روند به طور واضح مشهود است. در سال ۱۳۳۵، حدود ۶۴/۵ درصد از کل شاغلان روستاهای استان در بخش کشاورزی مشغول بوده‌اند که این میزان در سال ۱۳۷۵ به ۳۲/۷ درصد کاهش یافته است. همچنین، همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود جمعیت شاغل در بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۵ برعکس سایر دوره‌های زمانی مورد بررسی، دارای رشد صعودی بوده است.

جدول ۵. میزان جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی در روستاهای استان طی پنجاه سال گذشته (۸۵-۱۳۳۵)

سال		۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
عنوان / میزان	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کل جمعیت شاغل	۲۵۵۲۷۶	۱۰۰	۲۴۵۲۷۶	۱۰۰	۲۶۶۶۴۴	۱۰۰	۲۶۶۶۴۴
جمعیت بخش کشاورزی	۱۹۰۳۴۹	۶۴/۵	۱۳۰۸۰۰	۵۳/۳۳	۱۱۱۶۷۸	۴۱/۸۸	۱۱۱۶۷۸
جمعیت بخش صنعت	۷۴۸۸۲	۲۵/۳۶	۹۱۷۸۹	۳۷/۴۲	۱۲۸۰۶۱	۴۸/۰۳	۱۲۸۰۶۱
جمعیت بخش خدمات	۲۵۳۷۲	۸/۵۹	۱۹۶۹۶	۸/۰۳	۲۶۰۰۷	۹/۷۵	۲۶۰۰۷
نامشخص	۴۵۸۳	۱/۵۵	۲۹۹۱	۱/۲۲	۸۹۸	-/۳۴	۸۹۸

سال		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
عنوان / میزان	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کل جمعیت شاغل	۲۸۹۵۳۷	۱۰۰	۲۹۶۶۵۳	۱۰۰	۲۵۸۵۸۶	۱۰۰	۲۵۸۵۸۶
جمعیت بخش کشاورزی	۱۱۴۷۷۵	۳۹/۶۴	۹۷۰۴۳	۳۲/۷	۸۶۱۳۲	۳۳/۳۱	۸۶۱۳۲
جمعیت بخش صنعت	۹۷۲۷۱	۳۳/۶	۱۲۱۶۳۳	۴۱	۱۰۱۱۳۸	۳۹/۱۱	۱۰۱۱۳۸
جمعیت بخش خدمات	۷۲۶۷۶	۲۵/۱۰	۷۵۰۸۰	۲۵/۳۱	۶۶۲۱۸	۲۵/۶۱	۶۶۲۱۸
نامشخص	۴۸۱۵	۱/۶۶	۲۸۹۷	۰/۹۸	۵۰۹۹	۱/۹۷	۵۰۹۹

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان



شکل ۴. میزان جمعیت روستایی شاغل در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات استان اصفهان در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

استان اصفهان یکی از مهم‌ترین استان‌های صنعتی کشور محسوب می‌شود. وجود کارخانه‌ها و مراکز بزرگ صنعتی تا حد زیادی پذیرنده نیروهای فعال مازاد در بخش کشاورزی روستاهای استان است که پذیرش نیروی انسانی روستایی و مهاجرت آنان به شهرها و ایجاد شهرک‌های جدید در این نواحی از پیامدهای آن است، همچنین افزایش تعداد آبادی‌های خالی از سکنه دلیلی برای اثبات این ادعاست. این در حالی است که امروزه با توجه به پیشرفت‌های زیاد در این بخش، صنعت استان به سمت فناوری جدید و به‌روز (سرمایه‌بر) که مستلزم به‌کارگیری نیروی کمتر با تخصص بالاتر است، گرایش پیدا کرده است.

بر اساس جدول ۵ و شکل ۴، میزان شاغلان روستایی در بخش صنعت در سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ همواره رو به افزایش بوده؛ به‌طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان شاغلان در این بخش ۲۵/۳۶ درصد کل شاغلان روستاهای استان بوده و در سال ۱۳۴۵ این میزان به ۳۷/۴۲ درصد رسیده است، در سال ۱۳۵۵ نیز با ادامه روند افزایشی این مقدار به ۴۸/۰۳ درصد ارتقا یافته است. در سرشماری سال ۱۳۶۵ درصد شاغلان این بخش تنزل یافته و در سال ۱۳۷۵، گرچه درصد شاغلان مناطق روستایی استان اصفهان در بخش صنعت روند رو به افزایشی داشته است، ولی همچنان نسبت به سرشماری سال ۱۳۶۵ کمتر بوده است. همچنین، درصد شاغلان مناطق روستایی استان اصفهان در بخش صنعت در سرشماری سال ۱۳۸۵ دارای روندی کاهنده بوده و به ۳۹/۱۱ درصد کل شاغلان در روستاهای استان تنزل پیدا کرده است که علت اصلی آن را می‌توان در کاهش سهم بخش صنعت در دوره‌های اخیر (کمبود مواد اولیه مورد نیاز صنایع، عدم سرمایه‌گذاری‌های جدید در فعالیت‌های صنعتی، مشکلات و مسائل مربوط به تأمین ارز، متروکه‌شدن بعضی از صنایع، ماشینی شدن بعضی از تولیدات صنعتی و وجود رقیب‌های سرسخت در خارج از کشور مانند صنعت قالی و نساجی و...) دانست.

بررسی بخش خدمات می‌تواند به شناخت پیامدهای نامطلوب اجتماعی و فرهنگی ناشی از رشد اقتصادی و مبادلات فرهنگی کمک کند که تهاجم بر سنن و ارزش‌های معنوی، همبستگی‌های خانوادگی و اجتماعی و از خود بیگانه‌شدن انسان‌هاست از جمله این پیامدهاست. تشدید نابرابری‌های موجود در توزیع ثروت و درآمد و ناهماهنگی در این توزیع، باعث ایجاد شکاف بین گروه‌های مختلف اجتماعی در روستاهای استان و نواحی سه‌گانه شده که در بخش‌های کشاورزی و بخش‌های صنعتی و خدمات مشاهده می‌شود. تجربه نشان داده است که تشدید این نابرابری‌ها، نه تنها بر مبنای اصل عدالت اجتماعی - اقتصادی توجیه نمی‌شود، بلکه در بلندمدت رشد اقتصادی را نیز دچار رکود می‌کند. با توجه به چگونگی روند تغییرات بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌توان پی برد که در روستاهای استان به‌خصوص در دهه اخیر، گرایش از فعالیت‌های تولیدی به سمت فعالیت‌های توزیعی، غیر مولد و خدماتی بوده است. بر اساس جدول ۵، میزان اشتغال در بخش خدمات در سطح روستاهای استان افزایش چشمگیری یافته و می‌توان این‌گونه برداشت کرد که رشد مثبت بخش خدمات همراه با رشد منفی صنعت در دهه اخیر، به شکاف میان بخش‌های تولید و خدماتی دامن زده و به آن خصلتی سربار و انگلی بخشیده و خدمات سربار و غیر ضروری را به‌وجود آورده است.

توزیع جمعیت روستایی در بخش‌های اقتصادی در ناحیه دشتی طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

در جدول ۶ نتایج مربوط به جمعیت شاغل روستایی بخش‌های اقتصادی در ناحیه دشتی خشک استان اصفهان، نشان داده شده است. همان‌طوری که مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۳۵، حدود ۶۸/۳۷ درصد کل جمعیت روستایی این ناحیه در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت بوده‌اند و این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۲۴/۲۳ درصد تنزل یافته است. به‌طور کلی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ جمعیت شاغل در بخش کشاورزی دارای روندی نزولی بوده، اما از سوی دیگر، این روند در بخش‌های صنعت و خدمات در ناحیه دشتی صعودی بوده است (شکل ۴).

جدول ۶. میزان جمعیت روستایی شاغل در بخش‌های اقتصادی در ناحیه دشتی طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

سال	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل جمعیت شاغل	۱۵۱۶۶۳	۱۰۰	۱۱۶۳۵۸	۱۰۰	۱۳۹۴۱۱	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۱۰۳۶۹۶	۶۸/۳۷	۶۸۱۲۲	۵۸/۵۴	۵۳۲۷۵	۳۸/۲۲
جمعیت بخش صنعت	۳۳۱۴۲	۲۱/۸۴	۳۶۹۱۰	۳۱/۷۲	۶۹۳۷۶	۴۹/۷۶
جمعیت بخش خدمات	۱۲۴۴۵	۸/۲۱	۹۴۶۷	۸/۱۴	۱۶۳۴۲	۱۱/۷۴
نامشخص	۲۳۹۸	۱/۵۸	۱۸۵۹	۱/۶	۴۱۸	۰/۳

سال	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل جمعیت شاغل	۱۷۵۳۶۷	۱۰۰	۱۸۱۳۲۷	۱۰۰	۱۶۱۱۵۰	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۵۶۲۴۱	۳۲/۰۷	۴۵۵۷۶	۲۵/۱۳	۳۹۰۵۰	۲۴/۲۳
جمعیت بخش صنعت	۶۴۸۷۴	۳۶/۹۹	۷۷۱۶۸	۴۲/۵۶	۶۹۳۷۸	۴۳/۰۵
جمعیت بخش خدمات	۵۱۱۳۱	۲۹/۱۶	۵۶۶۷۹	۳۱/۲۶	۵۰۴۵۶	۳۱/۳۰
نامشخص	۳۱۲۱	۱/۷۸	۱۹۰۴	۱/۰۵	۲۲۶۷	۱/۴۰

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، اکثر جمعیت این ناحیه در بخش صنعت مشغول به فعالیت هستند؛ زیرا اکثر صنایع مادر و بزرگ استان در این ناحیه احداث شده‌اند که دلیل آن، شرایط مناسب ناحیه دشتی نسبت به دو ناحیه دیگر است.

توزیع جمعیت روستایی در بخش‌های اقتصادی در ناحیه خشک - بیابانی طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

میزان شاغلان بخش کشاورزی در این ناحیه طی سال‌های مورد بررسی همواره کاهش نشان داده است؛ به‌طوری که در سال ۱۳۳۵ حدود ۵۲/۲۶ درصد از کل شاغلان شامل کشاورزان و دامداران بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۳۳/۹۹ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۳۶/۵۸ درصد کاهش یافته است (جدول ۷). گفتنی است که این ناحیه با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی نامناسب نسبت به دو ناحیه دیگر، از زمین‌های مستعد و منابع آب کشاورزی کمتری برخوردار بوده و کویر در آن دائماً در حال پیشروی است. همچنین نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد میزان جمعیت روستایی استان در این ناحیه در بخش‌های صنعتی و خدمات دستخوش تغییرات زیادی شده؛ به‌طوری که این تغییرات در بخش صنعت چشمگیرتر بوده و اغلب در دهه‌های پنجاه و شصت رخ داده است. به نظر می‌رسد که کاهش میزان شاغلان بخش صنعت بیشتر در اثر

ضعیف‌شدن موقعیت صنعت قالی در این ناحیه باشد. پس از آن مشاهده می‌شود که میزان شاغلان بخش خدمات در ناحیه به تدریج روند افزایشی داشته است. در سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۲۰ درصد کل جمعیت شاغل روستایی ناحیه خشک و بیابانی استان اصفهان در بخش خدمات مشغول به فعالیت بوده‌اند. به‌طور کلی براساس جدول ۷ می‌توان دریافت که میزان کل جمعیت شاغل روستایی در این ناحیه دارای روندی کاملاً نزولی بوده و کاهش جمعیت روستایی و به‌تبع آن تعداد شاغلان این منطقه مشهود است.

جدول ۷. میزان جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی در ناحیه خشک - بیابانی طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

سال	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل جمعیت شاغل	۷۶۱۷۷	۱۰۰	۴۹۴۶۹	۱۰۰	۶۰۹۳۱	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۳۹۸۰۷	۵۲/۲۶	۲۴۳۷۱	۳۵/۰۸	۲۳۳۰۳	۳۸/۲۲
جمعیت بخش صنعت	۳۰۵۷۷	۴۰/۱۴	۳۹۴۰۱	۵۶/۷۲	۳۲۲۴۴	۵۲/۹۲
جمعیت بخش خدمات	۵۱۲۹	۶/۷۴	۵۲۱۷	۷/۵۱	۵۱۲۲	۸/۴۱
نامشخص	۶۶۴	۰/۸۷	۴۸۰	۰/۶۹	۲۶۲	۰/۴۳

سال	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل جمعیت شاغل	۵۳۹۱۴	۱۰۰	۵۶۲۱۴	۱۰۰	۵۰۷۴۸	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۲۱۴۰۷	۳۹/۷۱	۱۹۱۰۶	۳۳/۹۹	۱۸۵۶۷	۳۶/۵۸
جمعیت بخش صنعت	۲۱۲۶۰	۳۹/۴۳	۲۵۳۹۸	۴۵/۱۸	۲۰۹۳۲	۴۱/۲۴
جمعیت بخش خدمات	۱۰۳۸۹	۱۹/۲۷	۱۱۰۲۰	۱۹/۶۰	۹۹۷۰	۱۹/۶۴
نامشخص	۸۵۸	۱/۵۹	۶۹۰	۱/۲۳	۱۲۷۸	۲/۵۱

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

توزیع جمعیت روستایی در بخش‌های اقتصادی در ناحیه کوهستانی معتدل طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

گرچه در دهه‌های گذشته وضعیت بخش کشاورزی در این ناحیه کاهش داشته، اما در مقایسه با دو ناحیه دیگر نوسان‌های کمتری داشته؛ به‌طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان جمعیت شاغل در این بخش حدود ۷۰ درصد کل شاغلان بوده و در سال ۱۳۸۵ به ۶۱/۰۶ درصد کاهش یافته است. جمعیت روستایی شاغل در بخش صنعت در ناحیه کوهستانی استان اصفهان (جدول ۸) از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۵ روندی صعودی داشته و در سال‌های بعد تا سال ۱۳۸۵ دستخوش نوسان شده است؛ به‌طوری که در سال ۱۳۸۵، حدود ۲۳/۱۹ درصد کل جمعیت روستایی این ناحیه در بخش صنعت مشغول به فعالیت بوده‌اند. همچنین با توجه به نتایج جدول ۸ می‌توان گفت که میزان جمعیت روستایی ناحیه کوهستانی استان اصفهان شاغل در بخش خدمات، نسبت به دو بخش دیگر دارای نوسانات بیشتری بوده و از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۸۵ سیر کاهشی - افزایشی داشته و همواره در نوسان بوده است.

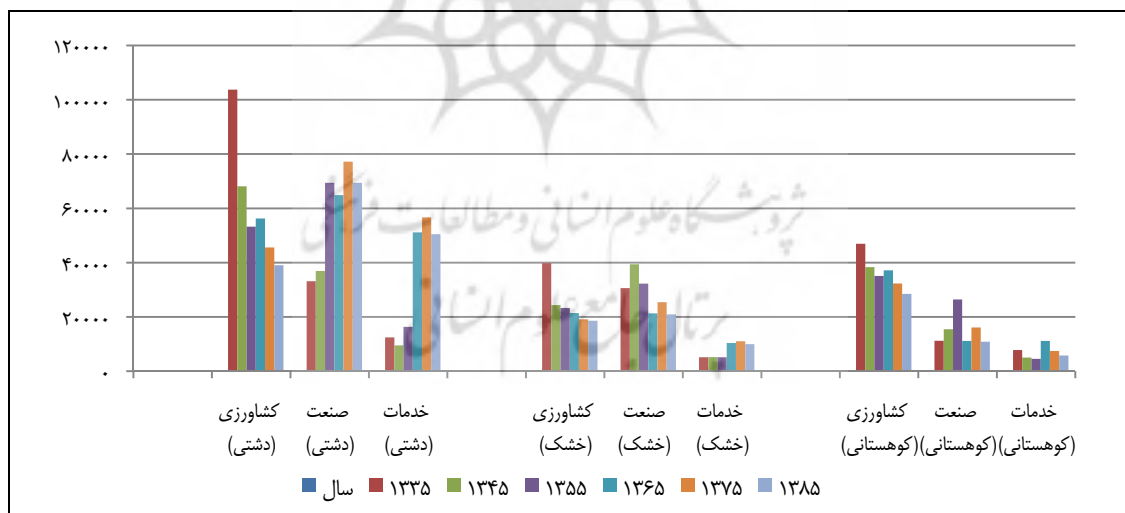
جدول ۸. میزان جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی در ناحیه کوهستانی معتدل طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

سال	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		عنوان / میزان
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کل جمعیت شاغل	۶۷۴۳۶	۱۰۰	۵۹۴۴۹	۱۰۰	۶۶۳۰۲	۱۰۰	
جمعیت بخش کشاورزی	۴۶۹۳۶	۶۹/۶۰	۳۸۳۰۷	۶۴/۴۳	۳۵۱۰۰	۵۲/۹۴	
جمعیت بخش صنعت	۱۱۱۸۱	۱۶/۵۸	۱۵۴۷۸	۲۶/۰۴	۲۶۴۴۱	۳۹/۸۸	
جمعیت بخش خدمات	۷۷۹۸	۱۱/۵۶	۵۰۱۲	۸/۴۳	۴۵۴۳	۶/۸۵	
نامشخص	۱۵۲۱	۲/۲۶	۶۵۲	۱/۱	۲۱۸	۰/۳۳	

سال	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		عنوان / میزان
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کل جمعیت شاغل	۶۰۲۵۶	۱۰۰	۵۶۲۱۰	۱۰۰	۴۶۶۸۴	۱۰۰	
جمعیت بخش کشاورزی	۳۷۱۲۷	۶۱/۶۲	۳۲۳۲۵	۵۷/۵۱	۲۸۵۰۶	۶۱/۰۶	
جمعیت بخش صنعت	۱۱۱۳۷	۱۸/۴۸	۱۶۰۷۴	۲۸/۶۰	۱۰۸۲۸	۲۳/۱۹	
جمعیت بخش خدمات	۱۱۱۵۶	۱۸/۵۱	۷۴۰۸	۱۳/۱۸	۵۷۸۸	۱۲/۳۹	
نامشخص	۸۳۶	۱/۳۹	۴۰۳	۰/۷۱	۱۵۵۳	۳/۳۲	

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

در نمودار شکل ۵، نحوه توزیع جمعیت شاغل روستایی استان اصفهان در بخش‌های سه‌گانه اقتصادی در ناحیه‌های دشتی، خشک - بیابانی و کوهستانی معتدل طی سال‌های ۸۵-۱۳۳۵ نشان داده شده است.



شکل ۵. تعداد شاغلان استان اصفهان در بخش‌های سه‌گانه اقتصادی در سه منطقه مورد مطالعه در دوره زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

نتایج نمودار نشان از کاهش تعداد شاغلان روستایی در دو ناحیه دشتی و خشک - بیابانی و افزایش تعداد شاغلان روستایی ناحیه کوهستانی معتدل دارد. همچنین، بیشتر شاغلان روستایی استان در ناحیه دشتی و کمترین آن در ناحیه خشک - بیابانی واقع شده‌اند. در مجموع، در ناحیه دشتی تعداد شاغلان در بخش‌های صنعت و خدمات افزایش و در بخش کشاورزی کاهش یافته است. در ناحیه خشک و بیابانی تعداد شاغلان بخش‌های کشاورزی و صنعت کاهش و

تعداد شاغلان بخش خدمات افزایش یافته و در ناحیه کوهستانی معتدل همانند دو ناحیه دیگر، شاغلان بخش کشاورزی کاهش یافته و شاغلان بخش‌های صنعت و خدماتی تا حدودی تغییر نکرده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به بررسی‌های انجام شده چنین می‌توان نتیجه گرفت که روند اشتغال در روستاهای استان اصفهان برعکس میزان بیکاری در سطح کشور، روند صعودی را طی دوره‌های مختلف گذشته داشته است. این امر تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی بوده است. با وجود این، روند تغییرات اشتغال در نواحی مختلف جغرافیایی استان از یک روند مشابه پیروی نکرده و روستاهای ناحیه‌هایی که دارای امکانات بهتر یا قابلیت جذب امکانات بیشتری بوده‌اند، وضعیت اشتغال مطلوب‌تری را نشان می‌دهند و تغییرات کمتری را می‌توان در آنها مشاهده کرد، اما قاطعانه می‌توان گفت که سیر نزولی شاغلان موجود در بخش کشاورزی و دامپروری روستاهای استان و گرایش اشتغال آنان در بخش خدمات کاملاً محسوس است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات قدیری معصوم و عزمی (۱۳۸۹)، اکبری و مصری‌نژاد (۱۳۸۲)، فرهودی و محمدی (۱۳۸۵)، فرشادفر و اصغرپور (۱۳۸۹) و غفاری، رجائی و دوستی‌ایرانی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. با وجود روند کلی اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان از بخش کشاورزی به سمت بخش‌های صنعت و خدمات، در بین نواحی سه‌گانه این استان تفاوت‌هایی وجود دارد؛ با این توضیح که در دو ناحیه دشتی و خشک بیابانی اکثر شاغلان در بخش صنعت فعالیت می‌کنند، ولی در ناحیه کوهستانی اکثر شاغلان در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت هستند.

برای ایجاد زمینه‌های اشتغال بهینه در روستاهای استان اصفهان پیشنهادهای زیر ارائه شده است:

- بازاریابی برای محصولات تولید شده نواحی روستایی استان در سایر نقاط کشور و حتی خارج از کشور؛
- استفاده از فناوری‌های نوین در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات؛
- فراهم‌آوردن زمینه لازم برای رشد صنایع کوچک (صنایع دستی و صنایع کوچک کشاورزی) در نواحی روستایی؛
- توسعه و گسترش صنایع محلی و بومی در نواحی روستایی و ایجاد مراکز خدماتی صنعتی در مراکز روستایی؛
- شناسایی نیازهای تولیدی و فنی بخش صنعت که امکان تهیه آن در سطح روستاها وجود دارد؛
- شناسایی و احیای اراضی قابل توسعه در نقاط مستعد هر ناحیه و اصلاح اراضی مردابی، شور و قلیایی؛
- اولویت‌بخشیدن به کشت محصولات استراتژیک در هر سه ناحیه؛
- تلفیق مناسب زراعت و دامداری در نواحی سه‌گانه، متناسب با شرایط طبیعی و اقتصادی - اجتماعی آن ناحیه.

منابع

1. Akbari, N. and Mesrinezhad, SH., 2003, **Major Economic Sectors of Employment in the Province During the Period 1996-1986**, Journal of Administrative Sciences and Economics, Vol. 14, No. 3, PP. 54-71. (in Persian)

2. Alafar, E., 1996, **Fighting Poverty by Creating Employment**, Meeting Proceedings of Poverty and Poverty Alleviation, Volume II, Plan and Budget Organization, Tehran. (*in Persian*)
3. Azkia, M., 2004, **Sociology of Development and Underdevelopment in Rural Iran**, Press the Etelaat, Tehran. (*in Persian*)
4. Barrows, R. L. and Bromley, D.W., 1975, **Employment Impacts of the Economic Development, Administration's Public Works Program**, American Journal of Agricultural Economics, Vol. 75, No. 1, PP. 46-54.
5. Çelik, M., and Tatar, M., 2011, **Employment-unemployment Issues and Solution Suggestions Adiyaman Example**, Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, Vol. 3, No. 2, PP. 1211- 1226.
6. Dadvarkhani, F., 2006, **Challenges of Rural Development and Women's Employment**, Geographical Research, Vol. 38, No. 55, PP. 171-188. (*in Persian*)
7. Dimitris, S. and Efthalia, D. and Sophia, S., 2003, **Capital Subsidies and Job Creation in Rural Areas: a Greek Case Study**, International Journal of Manpower, Vol. 24, No. 8, PP. 947-963.
8. Ernst, E. and Rani, U., 2011, **Understanding Unemployment Flows**, Oxford Review of Economic Policy, Vol. 27, No. 2, PP. 268-294.
9. Farhoodi, R. and Mohamadi, A., 2006, **Analysis and Prediction of Employment Status in Sanandaj Spatial Variation and Gini Coefficient Model Share**, Geographical Research, Vol. 38, No. 55, PP. 189-202. (*in Persian*)
10. Farshadfar, Z. and Asgharpoor, H., 2010, **Studying the Employment Generating Relative Advantage in Economic Sectors of Kermanshah Province**, Knowledge & Technology, Vol. 1, No. 2, PP. 75-60. (*in Persian*)
11. Figueroa, A., 2006, **Social Exclusion and Rural Under Development**, Department of Economics Catholic, University of Peru, Lima.
12. Galensoon, W., 1989, **Introduction to Employment in Developing Countries**, Translator: Hamedani, A.A, Jihad, Tehran. (*in Persian*)
13. Ghadiri Masoom, M. and Azmi, A., 2010, **Rural Employment Trends and Factors Affecting it**, Journal of Geographical Lanfscape, Vol. 5, No. 10, PP. 101-120. (*in Persian*)
14. Ghadiri Masoom, M., Mahdavi, M. and Barghi, H., 2005, **Statistical Analysis of Employment Trends in the Development of Rural Areas Isfahan Province**, Geographical Research, Vol. 37, No. 54, PP. 175-153. (*in Persian*)
15. Ghadiri Masoom, M., Mahdavi, M. and Esmailinia, M., 2004, **Employment Development in Rural Areas (Case Study: Lahijan Township)**, Geographical Research, Vol. 36, No. 48, PP. 158-139. (*in Persian*)
16. Ghafari, R., Rajaei, M.A. and Dosty Irani, L., 2010, **Analysis the Strucher Employment the Metods Gurnee and Izard, a Case Study: Provinc Charmahalo Bakhtiari**, Geography, Vol. 9, No. 31, PP. 306-277. (*in Persian*)
17. Ghanbari, Y., Moradi Hovasin, N., Jamini, D., Mafakheri, A., Gashtil, Kh., 2012, **Spatial Analysis and Classification of Women's Employment Indices in Rural Areas of Iran**, American Journal of Scientific Research, Vol. 71, No. 30, PP. 74-83.
18. Hashemi, S.S., Mehrabi, A.A., Imeni, S. and Najahi, A., 2011, **Rural Development with Emphasis on Employment and Entrepreneurship (Case Study: Shabab District, Ilam Province)**, Journal of Rural and Development, Vol. 14, No. 1, PP. 58-35. (*in Persian*)
19. Keane M. and E. Garvey., 2006, **Measuring the Employment Effects of the Rural Renewal Tax Scheme**, Regional Studies, Vol. 40, No. 3, PP. 359-374.

20. Keynes, J. M., 1970, **the General Theory of Employment, Interest and Money**, Palgrave Macmillan, United Kingdom.
21. Khirkhahan, J. and Gorji, SH., 2007, **Effects on Employment of Public Employment: the Iranian Experience**, Journal of Knowledge and Development, Vol. 13, No. 20, PP. 47-110. (*in Persian*)
22. Rasolinezhad, E. and Nori, M., 2010, **The Effect of Information and Communication Technology (ICT) on Employment of Iran**, Journal of Economic Research, Vol. 44. No. 4, PP. 87-107. (*in Persian*)
23. Robinson, J., 1999, **Future Works**, Translated by Alvani, S.M and Danaiifar, H., Ney Publication, Tehran. (*in Persian*)
24. Rosenstion, P. N., 1963, **Notes on the Theory of Big Push**, Economic Development for Latin America, Martin, New York
25. Salami, H. and Ansari, V., 2009, **The Role of Agriculture in Job Creation and Income Distribution: A path Decomposition Analysis**, Iranian Journal of Agricultural Economics and Development, Vol. 40, No. 3, PP. 1-20. (*in Persian*)
26. Schumacher, E.F., 1993, **Organizational Aspects of the Economy, Small is Beautiful**, Translator: Ramin, A, Soroush Press, Tehran. (*in Persian*)
27. Sepehr, J., 1966, **Unemployment**, Amir Kabir Publications, Tehran. (*in Persian*)
28. Sharifi, N., 2010, **Indirect Effects of Government Spending on Employment and Inflation: an Analysis of Output Data**, Journal of Economic Research, Vol. 45, No. 95, PP. 1-20. (*in Persian*)
29. Sidaii, E., Bahari, I. and Zarei, A., 2010, **The Investigation of the Status of Employment and Unemployment during the Time Period of 1956 – 2010**, Journal of Yas Strategy, Vol. 25, No. 1, PP. 216- 247. (*in Persian*)
30. Statistical Center of Iran, **Isfahan Province Population and Housing Census uncle**, Period 1956-1966-1976- 1986- 1996- 2006. (*in Persian*)
31. Strieter, L. A. and Hughes, L. J., 2009, **the Youth Farm Stand: a Model Program for Workforce Preparedness, Life Skills Education and Economic Development**, Journal of Extension, Vol. 47, No. 4, PP. 1-5.
32. Taherkhani, M., 2000, **Rural Industrialization, Administration and Operation of Industrial Projects Cover**, Samt, Tehran. (*in Persian*)
33. Tavasoli, GH., 1996, **Sociology of Work and Occupation**, Press the Samt, Tehran. (*in Persian*)
34. Todaro, M., 1985, **Economic development in the Third World**, Translated by Farjadi GH. and Sohrabi, H., Press the PBO, Tehran. (*in Persian*)
35. Vivarelli, M., 2007, **Innovation and Employment: A Survey**, Institute for the Study of Labor, IZA Discussion Paper No. 2621, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=969621>.
36. Wortman J. M. S., 1990, **A Unified Approach for Developing Rural Entrepreneurship in the US**, Agribusiness, Vol. 6, No. 3, PP. 221-236.